

کاوش در امید اجتماعی، نظریه‌ای داده‌بنیاد^۱

زهرا امیری اسفرجانی*، دکتر سید علی‌هاشمیان فر**، دکتر وحید قاسمی***

چکیده

این مطالعه با اتخاذ رویکرد تفسیری بر آن است تا به واکاوی موضوع امید اجتماعی در بین شهروندان اصفهانی بپردازد. روش پژوهش، کیفی بوده که با استفاده از استراتژی نظریه زمینه‌ای انجام گرفته است. براساس روش نمونه‌گیری کیفی - هدفمند (نمونه‌گیری نظری از نوع متوالی) بیست نفر از شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر اصفهان در این مطالعه شرکت کردند و با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه ساخت یافته درک و تفسیر آنها از امید اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های به دست آمده با استفاده از روش «نظریه زمینه‌ای» شامل هفت مقوله اصلی بدین شرح بود: هدف‌گذاری، آرزومندی، مسئولیت‌پذیری، میل به پیشرفت، تلاشگری و برنامه‌ریزی. «مقوله هسته» این مطالعه «میل به تغییر» بود که سایر مقولات خرد را در بر می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: امید اجتماعی، تفسیرگرایی، نظریه زمینه‌ای، مدل پارادایمی.

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با موضوع " پژوهشی ترکیبی در تبیین و تفسیر جامعه شناختی امید اجتماعی و تعهد عملی به ارزشهای مردم‌سالارانه شهروندان شهر اصفهان " در دانشگاه اصفهان است.

* دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی گرایش اقتصاد و توسعه دانشگاه اصفهان ba.amiri55@gmail.com

** دانشیار دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) seyedalihashemianfar@yahoo.com

*** استاد دانشگاه اصفهان v.ghasemi@ltr.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۱۹

مسائل اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۲۷-۵۱

۱. مقدمه و بیان مسئله

زندگی فردی و اجتماعی انسان همواره دارای فراز و فرودهایی است و افراد به طور معمول شکست‌هایی را تجربه می‌کنند. امیدوار بودن کمک می‌کند مردم شکست‌های زندگی خود را موقتی بدانند و حتی آن را با کوشش بیشتر به موفقیت تبدیل کنند. امید به افراد حس عمیق امن بودن و قابل اعتماد بودن جهان را می‌دهد و زندگی را تحمل‌پذیر می‌سازد.

کشور ایران به طور متوالی دوره‌های یاس و امید را پشت سر گذاشته است. انقلاب مشروطه به علت ناامیدی از بهبود شرایط اجتماعی و سیاسی شکل گرفت. به دلیل تحقق نیافتن اهداف مد نظر انقلابیون، همانگونه که جلالی‌پور (۱۳۸۱) اظهار می‌کند انقلاب مشروطه " نهایتاً به ظهور دیکتاتوری رضاشاه منجر شد"، و به این ترتیب ناامیدی اجتماعی حاکم شد. شروع حکومت رضاخان برای برخی با این انتظار همراه بود که وی قادر باشد جامعه از هم گسیخته آن زمان را متحد سازد اما این امید نیز با حاکمیت دیکتاتوری وی خیلی زود به یأس تبدیل شد. ضمن آنکه مدرنیزاسیون شتابزده او و محمدرضا شاه هر چند از بعد مادی برای اقشاری از مردم فوایدی در برداشت اما به دلیل شتابزدگی و ناهماهنگی بین ابعاد مختلف توسعه و منع آزادی‌های سیاسی و سرکوب آزادی‌خواهان، دستاورد نهایی‌اش ناامیدی شد.

این ناامیدی در ادبیات آن دوران به طور مثال در آثار جمالزاده و اخوان ثالث که در دوران پس از کودتای سیاه به سلطه همه جانبه ساواک منتهی شد (بشیریه، ۱۳۸۰) به چشم می‌خورد. در همین دوران حمید مصدق و شاملو به سرودن اشعاری پرداختند که همگی بیانگر ناامیدی از بهبود شرایط اجتماعی و سیاسی بود. ناامیدی حاکم در این دوران مردم را نیز بی‌نصیب نگذاشت. این شرایط علاوه بر آنکه حاصل سرکوب سیاسی بود، نتیجه ورود مدرنیته و توسعه شتابان نیز بود چرا که مدرنیته در نفس خود آنچنان که برمن (۱۳۹۲) می‌نویسد یأس و ناامیدی به همراه دارد. در این زمینه سن (۱۳۹۴) نیز معتقد است در مراحل اولیه شروع توسعه میوه‌های درخت آن به طور یکسان به همگان نمی‌رسد و شاید یکی از دلایل دیگر حاکم شدن ناامیدی در آن دوران ناهماهنگی دستیابی مردم به ثمرات توسعه بود.

آنچه در جامعه آن روز می‌گذشت مردم را ناامید ساخت بطوریکه برای اصلاح امور چاره‌ای جز انقلاب نیافتند. پس از انقلاب اسلامی، امید زیادی برای پیشرفت به وجود آمد اما تحمیل جنگ بر مردم و خسارت‌های جانی و مالی آن و آنچه به زعم جلالی‌پور (۱۳۹۱) "به قدرت گرفتن تئوکراسی" نامیده می‌شود به ناامیدی گسترده دامن زد. پس از آن نیز با طرح گفتمان سازندگی و اصلاحات یک منبع امید ایجاد شد و با شکست تلاش‌های کوتاه مدت، دوباره ناامیدی فراگیر حاکم شد. به طوری که در طول سالیان اخیر برخی روشنفکران چون طباطبایی (۱۳۷۲) چنان از امکان بهبود شرایط اجتماعی دچار یأس شدند که به این نتیجه رسیدند که فقط با ویرانی

بنیادی اندیشه مذهبی سنتی و تاریخی می‌توان صحنه را برای استقرار یک جامعه دموکراتیک آماده کرد!

تحولات دوران معاصر همواره اشکال گسترده‌ای از یاس و ناامیدی را دامن زده است. به اعتقاد نگارندگان این متن، هرچند که در شکل‌گیری این ناامیدی‌های پی‌ساختارها دخیل بوده‌اند اما عاملان اجتماعی هم با رفتارهای اجتماعی هیجانی و ناشکیبایی برای پیشرفت اجتماعی در این امر سهم بسزایی داشته‌اند. پدید آمدن اشکال متنوعی از ناامیدی‌های پی در پی باعث ایجاد تغییر و تحولات بنیادین اجتماعی پر هزینه شده است. به همین دلیل جامعه به طور مرتب در حال تخریب و بازسازی بوده است تا آنجا که کاتوزیان (۱۳۹۲) از این مشکل با عنوان «ایران جامعه کوتاه مدت» یاد می‌کند.

مفهوم «امید اجتماعی» به لحاظ جامعه‌شناختی کم‌تر مورد مذاقه قرار گرفته است. رورتی^۲ (۱۳۸۴) اولین بار این مفهوم را ابداع کرد. از منظر رورتی امید اجتماعی تلاش و برنامه‌ریزی و همکاری افراد جامعه برای رسیدن به هدف است خواه موفقیت کسب شود یا نشود. رورتی با طرح مفهوم امید اجتماعی معتقد است: بشر به جایی رسیده است که به جای دلبستگی به پروژه‌های عظیم تغییر اجتماعی باید به اصلاح همین انسان خاکی و جامعه‌ی موجود بپردازد البته نه براساس الگویی آرمانی بلکه به اندازه‌ای که بتواند زندگی شرافتمندانه را برای افراد فراهم آورد (رورتی، ۱۳۸۴: ۶۴۱).

امید اجتماعی، امید کور که مظهر یأس است و در هنگامه‌ای که انسان مستأصل است و در وضعیتی قرار دارد که فقط می‌تواند شرایط را بپذیرد، نیست. امید اجتماعی، امید عملی است که فردای بهتر را دست‌یافتنی و به دست همین انسان معمولی ممکن می‌داند. بنابراین یکی از مهم‌ترین کیفیت‌های امید اجتماعی، عاملیت انسان است. رورتی اظهار می‌دارد: امید توانایی باور به این است که آینده به طور مطلوب از گذشته متفاوت‌تر و مطلوب‌تر است (رورتی، ۱۳۸۴). وی اعتقاد دارد امید اجتماعی، امید عبارتست از رستگاری از طریق اکتساب مجموعه‌ای از باورها که اشیا را به همان صورتی که در واقعیت وجود دارند، نشان می‌دهد (رورتی، ۲۰۰۷: ۹۸). امید اجتماعی از فرافکنی خوشبختی و آسایش به جهان دیگر اجتناب می‌کند و بار ساختن آینده را بر دوش خود انسان می‌گذارد (رورتی، ۲۰۰۲: ۱۵۴).

امید اجتماعی یک پروژه واقع‌گرایانه است که به بهسازی و بهبودی شرایط اجتماعی تنها با آنچه انسان در اختیار دارد کمک می‌کند. امید اجتماعی ابزار مفهومی است که نشان می‌دهد چگونه می‌توان از وضع کنونی، به شیوه‌ای مسالمت‌جویانه، به آینده بهتری رسید. از منظر نگارندگان امید اجتماعی می‌تواند به شهروندان برای عزیمت از نقطه‌ی کنونی جامعه به نقطه‌ای

مطلوب در راستای پیشرفت و بهبود اجتماعی یاری رساند و از ایجاد یأس اجتماعی که حاصل رفتارهای هیجانی و غیر عقلانی برای ایجاد تغییرات اجتماعی شتابزده است، جلوگیری می کند. به کارگیری مفهوم امید اجتماعی از این رو اهمیت دارد که مسؤلیت واقعی ساخت جامعه‌ی بهتر را بر دوش افراد جامعه می گذارد، افرادی که در می یابند پیشرفت و توسعه، یک ایده‌ی اتوپیایی غیرقابل دسترس نیست بلکه تنها با داشتن امید به بهبود شرایط و تلاش در این جهت می توان به آن دست یافت.

امید اجتماعی بر آن است که از طریق خود شهروندان برای شهروندان تحول ایجاد کند. از این منظر رهیافتی مصلحانه است که راه خروج از مشکلات جامعه را در به دوش گرفتن مسؤلیت تغییر مسالمت آمیز از سوی شهروندان می داند.

با وجود اهمیتی که مفهوم امید اجتماعی برای جامعه دارد، تاکنون پژوهشی در این زمینه در کشور صورت نگرفته است و از این منظر مطالعه پیش رو نوآورانه است. نتایج این پژوهش می تواند به غنای نظری مفهوم امید اجتماعی یاری رساند و راهگشای تحقیقات آتی در این حوزه باشد. شهر اصفهان در زمینه ناامیدی، از شرایط کلی جامعه ایران جدا نیست. ضمن آنکه مشاهدات پژوهشگران بیانگر آن است که در سالیان اخیر بویژه با اوج گیری مشکلات اقلیمی که این شهر را تهدید می کند، ناامیدی گسترده در بین شهروندان اصفهانی افزایش یافته است. این نوشتار درصدد است تا به شیوه‌ی نظریه‌ی داده بنیاد، در یک طرح تحقیق کیفی به کشف مقوله‌های اصلی و فرعی امید اجتماعی بپردازد و شرایط و بسترهای شکل گیری امید اجتماعی را مورد کنکاش قرار دهد و به تعاملات و فرآیندهای ذهنی مشارکت کنندگان درباره امید اجتماعی دست یابد.

انتظار می رود با استفاده از نتایج این تحقیق مسئولین بتوانند به تحلیل مستقلی از وضعیت امید اجتماعی در بین شهروندان شهر اصفهان دست یابند و برنامه‌های عملی تری را در این حوزه طراحی، نظارت و اجرا کنند و بدین وسیله تا حد امکان گام‌های عملی تری در راستای شناخت ساز و کارهای تولید و افزایش امید اجتماعی، به عنوان یکی از لوازم توسعه در جامعه و به ویژه در اصفهان مفید واقع شود.

این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤالات است که درک و تفسیر شرکت کنندگان از امید اجتماعی به چه صورتی است؟، امید اجتماعی در چه شرایط و بسترهایی شکل می گیرد؟، تعاملات و فرآیندهای ذهنی شرکت کنندگان در باره امید اجتماعی چگونه است؟ و پیامدهای امید اجتماعی در زندگی شرکت کنندگان به چه صورتی بروز می کند؟.

مروری بر پیشینه

جستجو برای یافتن پیشینه تجربی امید اجتماعی در بین مطالعات خارجی و داخلی به نتیجه نرسید و در این قسمت به ذکر اندک مواردی که تنها به تدقیق مفهوم امید پرداخته اند، اکتفا می‌شود.

اشنایدرهان^۳ (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان "رورتی، آدامز و امید اجتماعی" به مقایسه رورتی و آدامز پرداخته است، و خاطر نشان می‌سازد در حالی که هر دو متفکر یک نسخه عمل‌گرایانه از دموکراسی اجتماعی ایجاد کردند، اما آدامز در تبدیل نظرات خود به عمل بسیار مؤثر بود. آدامز نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از طریق کنش یا عمل، امید اجتماعی تولید کرد. در واقع آدامز نشان می‌دهد که چگونه ممکن است برخی عناصر و عوامل عمل‌گرایی رورتی را در سطحی از کنش واقعی ایجاد کرد.

اسمیت (۲۰۰۶) ظهور مفهوم امید اجتماعی در فلسفه رورتی را نتیجه تعامل این فیلسوف با دین دانسته است. وی معتقد است رورتی با الهام از کتاب مقدس که الهام دهنده امید به امکان ایجاد یک جهان اخلاقی بهتر است، این مفهوم را ابداع کرده است. وی قاطعانه معتقد است که عمل‌گرایی و دین و امید اجتماعی با یکدیگر سازگار هستند.

کوک (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان "رورتی در گفتگوی موفق درباره امید" از آرمان وی برای تداوم گفتگو می‌نویسد. از این منظر امید اعتقاد به این است که چه چیزی برای آینده امکان پذیر است. امید برای گفتگو در واقع پرسش‌هایی که فرد می‌پرسد را مشروط می‌کند و در یک گفتگوی واقعی شرکت‌کنندگان امید مشترکی را در پاسخ دادن به سؤال‌ها در میان می‌گذارند. با استفاده از امید می‌توان تفاوت بین گفتگوی خالص و دروغین را تشخیص داد به این وجه که آیا شرکت‌کنندگان در یک امید مشترک در گفتگو سهیم هستند یا نه. مخصوصاً یک امید مشترک در پاسخ دادن به مهم‌ترین سؤال اصلی جامعه‌شان.

بروان (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «درباره امید اجتماعی» نشان می‌دهد که زمینه‌های فرهنگی مقوله امید در درجه اول امری دینی است و همتای منفعلی برای مفاهیم فعالی چون میل است.

مرور پیشینه یادشده حاکی از آن است که مطالعات صورت گرفته همگی از نقطه نظر فلسفی به این مفهوم پرداخته اند. با اینکه این مطالعات برای دستیابی نگارندگان به درک فلسفی از مفهوم امید اجتماعی مفید بوده‌اند با این حال چون هیچ کدام از آنها از منظری جامعه‌شناختی

و براساس مطالعه تجربی به موضوع پرداخته اند، نگارندگان برآن شدند با اتخاذ رویکرد کیفی و استفاده از استراتژی نظریه زمینه‌ای به تفسیر جامعه شناختی از مفهوم امید اجتماعی بپردازند.

۲. چارچوب مفهومی

به منظور بررسی فضای مفهومی امید اجتماعی به تعاریف امید از منظر نظریه پردازان مختلف پرداخته شده است و سپس به ارائه تعاریف موجود از امید اجتماعی پرداخته شده است. دسته‌ای از تعاریف امید را نوعی هیجان دانسته‌اند بطور مثال پریچت (۲۰۰۴) معتقد است امید نیرویی هیجانی است که تخیل را به سمت موارد مثبت هدایت می‌کند. از نظر جنیا و شاو (۱۹۹۱) امید تمایلی است که با انتظار وقوع مثبت همراه است. نان^۴ (۱۹۹۶) امید را تمایل کلی به ساختن آینده و پاسخ مثبت به آینده ادراک شده می‌داند. میلجز (۱۹۸۲) براین عقیده است که امید نگرش‌های مثبت کلی به آینده خویش که همراه با تلاش فعالانه‌تر برای دستیابی به نتایج آتی مثبت است را شامل می‌گردد. در تعریف اخیر هر چند امید نگرش محسوب شده است اما این نگرش با نوعی رفتار یعنی تلاش فعالانه برای دستیابی به آینده بهتر همراه است. اشنايدر (۱۹۹۴) نیز امید را خصیصه فعالی دانسته که در برگیرنده داشتن هدف، اراده برای دستیابی به هدف، توجه به موانع رسیدن به هدف و توانایی رفع آنها است.

استاتلند (۱۹۶۹) امید را تصور احتمالی برای رسیدن به هدف تعریف می‌کند احتمالی که بیشتر از صفر است. استنجرز (۲۰۰۲) امید را به خلاقیت غیر قابل پیش‌بینی مرتبط می‌داند که امکان تبدیل شدن به واقعیت را دارد. از نظر براون (۲۰۰۳) امید تفاوت بین احتمال و امکان است. کوک (۲۰۰۴) نیز امید را اعتقاد به آنچه شدنی و ممکن است، می‌داند.

در موارد اخیر تعریف امید با مفهوم امید اجتماعی هم راستا تر است. زیرا از دیدگاه رورتنی امید اجتماعی تلاش و برنامه‌ریزی و همکاری برای رسیدن به هدف است خواه موفقیت کسب شود یا نشود (رورتنی، ۱۳۸۴: ۱۶۴). رورتنی با رویکردی عملگرایانه به مفهوم امید پرداخته است و جایگزینی آنچه کم‌تر سودمند است با آنچه که سودمندی بیشتری دارد، رامهم می‌داند. بنابراین امید اجتماعی در خدمت ایجاد آینده‌ای بهتر است.

به اعتقاد میرسپاسی (۱۳۸۸: ۴۱)، امید اجتماعی دارای دو ویژگی اساسی یعنی عمل‌گرایی و تغییر پذیری است و اعتقاد به این است که افراد در تعیین سرنوشت خود نقش دارند.

همانطور که ملاحظه می‌شود امید از دو منظر مورد توجه نویسندگان و نظریه پردازان قرار گرفته است. گروه اول که آن را هیجان یا انگیزش مثبت نسبت به آینده محتمل دانسته اند. گروه دیگر امید را کنشی فعالانه می‌دانند که افراد با انتخاب اهداف و تلاش برای دستیابی به آن امکان

خلق آینده موردنظر خود را فراهم می‌کنند. نگرش دوم به امید به آنچه مد نظر نویسندگان این نوشتار است، نزدیک‌تر می‌باشد.

امید اجتماعی بر مبنای موقعیت اجتماعی مردم و عادت‌واره‌های شان، قابل تفسیر است. پژوهش حاضر در قالب پارادایم تفسیرگرایی انجام شده است. در قالب این پارادایم همانگونه که دنزین و همکاران (۲۰۰۵) بیان می‌کنند انسان موجودی خلاق و معنا ساز است و پیوسته در حال ساخت و ساز و معنا دار کردن زندگی اجتماعی و واقعیات است. همان طور که گوبا و لینکلن^۵ (۲۰۰۵) می‌نویسند در پارادایم تفسیرگرایی واقعیت در فرآیند درک و تفسیر انسان‌ها در خلال زندگی روزمره ساخته می‌شوند و اعتقاد به اینکه انسان موجودی خلاق و معنا ساز است، امید اجتماعی را به واقعیتی تبدیل می‌کند که توسط کنشگران اجتماعی بر ساخته می‌شود. بنابراین نویسندگان این متن بر آن شدند تا به ارائه تفسیر و درک مشارکت‌کنندگان از امید اجتماعی بپردازند.

۳. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کیفی است و با استفاده از استراتژی نظریه‌ زمینه‌ای انجام شده است تا با کشف مقوله‌های مرکزی و فرعی امید اجتماعی و شناسایی ارتباط این مقولات با یکدیگر نهایتاً یک الگوی پارادایمی ارائه گردد. از بین استراتژی‌های مختلف نمونه‌گیری هدفمند، نمونه‌گیری نظری متوالی انتخاب شد. در انتخاب نمونه‌ها سعی بر این بوده است تا مواردی رعایت شود، از جمله اینکه انتخاب مشارکت‌کنندگان به صورتی بوده است که محقق به دنبال انتخاب نمونه‌های غنی و پرمایه به لحاظ اطلاعاتی بوده است و تمرکز نمونه‌گیری بر حسب کدگذاری باز، محوری و گزینشی تغییر یافته است. در جریان نمونه‌گیری پژوهشگران رویدادها و اموری که معرف مفاهیم نظری باشد را پی‌گیری کردند. سپس این رویدادها و اتفاقات از لحاظ ویژگی‌ها و ابعادشان با یکدیگر مقایسه شد و درجات و گوناگونی ابعاد آنها کشف شد. در این مسیر رفت و برگشت بین نمونه‌گیری و تحلیل داده‌ها صورت گرفت و هرچه پژوهش پیش‌تر رفت، نمونه‌گیری هدف‌دارتر و متمرکزتر شد تا حداکثر تفاوت در مفاهیم بدست بیاید و نمونه‌گیری تا زمانی که تمام مقوله‌ها اشباع شدند و دیگر داده‌ی تازه و مهمی به دست نیامد و مقوله‌ها از لحاظ ویژگی و ابعاد بقدر کافی تعیین پیدا کرد، تداوم داشت. به این ترتیب حجم نمونه در سطح ۲۰ نفر متوقف شد. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساخت یافته است. تحلیل داده‌ها بر مبنای شیوه کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفت. برای اطمینان از قابلیت اعتماد یافته‌ها از تکنیک‌های ممیزی، مقایسه تحلیلی و اعتباریابی توسط مشارکت‌کنندگان استفاده شد، در تکنیک ممیزی چند متخصص نظریه زمینه‌ای بر مراحل مختلف کدگذاری و استخراج مقولات

نظارت داشتند و در مقایسه تحلیلی نگارندگان به داده‌های خام رجوع کردند و ساخت‌بندی نظریه را با آن مقایسه کردند و بالاخره در اعتباریابی از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا یافته‌ها را ارزیابی کنند و در مورد صحت آن نظر دهند. همه‌ی موارد مذکور در جریان تحقیق تأیید شد، بنابراین تا حد زیادی از قابلیت اعتماد یافته‌ها اطمینان حاصل شد.

ع. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در دو بخش ارائه شده است. ابتدا به توصیف مشارکت‌کنندگان بر اساس متغیرهای زمینه‌ای پرداخته شده و سپس یافته‌های دیگر در قالب مقولات عمده مستخرج از مصاحبه‌ها، مفاهیم و مقولات فرعی و هسته ارائه شده است.

علاوه بر ارائه یافته‌ها در قالب جدول، نگارندگان سه مدل تحلیلی از یافته‌ها ارائه نموده‌اند که ممکن است با یکدیگر هم‌پوشانی داشته باشند، ولی به لحاظ تحلیلی «امید اجتماعی»، در قالب مدل‌های مجزا مورد بحث قرار گرفته‌اند. در پایان نیز سعی شده است تا جایی که یافته‌ها اجازه می‌دهند، یک مدل پارادایمی ارائه شود.

جدول ۱. توصیف مشارکت‌کنندگان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

جنس	سن	تحصیلات	وضعیت تأهل	وضعیت اشتغال
زن	۵۷	دیپلم	متاهل	خانه دار
زن	۳۳	کارشناس ارشد	مجرد	پژوهشگر
مرد	۳۵	کارشناس ارشد	متاهل	مدرس
زن	۴۳	دیپلم	متاهل	خانه دار
مرد	۳۹	کارشناس ارشد	طلاق گرفته	مدیر اداره تحقیقات
مرد	۱۷	سیکل	مجرد	دانش آموز
مرد	۲۴	کارشناسی	مجرد	موزیسین
زن	۴۵	دیپلم	متاهل	خانه‌دار
زن	۳۷	دکتری	متاهل	مدرس
مرد	۲۶	کارشناسی	مجرد	بیکار
مرد	۳۱	کارشناسی	مجرد	مربی بدنسازی
زن	۳۶	دیپلم	طلاق گرفته	آرایشگر
مرد	۲۵	کارشناسی	مجرد	مدیر کافی‌شاپ
مرد	۲۶	کارشناسی ارشد	متاهل	معمار
مرد	۴۰	کارشناسی	متاهل	بیکار
مرد	۴۳	دیپلم	طلاق گرفته	نصاب ماهواره
مرد	۵۰	کارشناسی	متاهل	کارخانه دار
زن	۳۲	دیپلم	مجرد	مربی رقص
زن	۶۰	دیپلم	متاهل	معلم
زن	۷۰	فوق دیپلم	متاهل	معلم بازنشسته

کاوش در امید اجتماعی، نظریه‌ای داده‌بنیاد

جدول ۲. مفاهیم، مقولات عمده و مقوله محوری هسته استخراج شده از داده‌های کیفی

مقوله هسته	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم	ابعاد امید اجتماعی	
میل به تغییر	هدف‌گذاری	هدف تعریف شده روشنی هدف	مشخص کردن قصد تعیین نقطه‌ای به عنوان هدف قصد دسترسی به هدف	امید اجتماعی به مثابه دستاوردی فردی (در حوزه‌ی شخصی فرد و دیگران نزدیک به شخص (کوتاه مدت/ میان مدت/ خودم محور/ واقعی)	امید اجتماعی به مثابه دستاوردی اجتماعی (در حوزه‌ی اجتماعی و دیگران دور و ناشناس) (بلندمدت / جامعه محور)
	آرزومندی	آرمان چشمداشت	تمایل - علاقه - اشتیاق - ابهام - ناشناختگی		
	مسئولیت‌پذیری	حس تعهد وظیفه‌مداری	عمل در حد توان به عهده گرفتن وظیفه		
	میل به تغییر	اعتقاد به توان تغییر پوست اندازی ایجاد تحول در حد توان	اصلاح جزئی - عوض کردن وضع موجود - حرکت به سمت امری مطلوب		
	میل به پیشرفت	بهبود شرایط میل به تکامل یافتگی	تمایل به بهبود - ارتقای وضع موود - زمان بر بودن پیش روی - مقایسه با وضعیت بهتر		
	تلاشگری	کنشگری فعالیت عملی ساختن	گام برداشتن به سوی هدف - انجام کارها با مشارکت دیگران - یافتن داده‌های جدید در صورت شکست		
	برنامه ریزی	تدوین برنامه نقشه راه عملی	ذهن برنامه‌ریز - دستور کار دستیابی به هدف - برنامه عملیاتی		

جدول ۳. بسترهای اجتماعی شکل‌گیری امید اجتماعی

پیش‌بینی‌پذیری	امکان حدس نتیجه اعمال و رفتارهای خود در آینده، داشتن تصویر تقریباً روشن از آینده
ریسک‌پذیری	فراهم بودن فرصت‌های متنوع ریسک و توان جبران عواقب ریسک در صورت شکست
اثربخشی فعالیت‌ها	تناسب دستاورد با زمان صرف شده، تناسب دستاورد با تلاش به کار گرفته شده، تحقق اهداف قبلی

جدول ۴. حس دریافتی از جامعه (پیامدهای امید اجتماعی)

حس تعلق اجتماعی	یگانگی، محبت و دوستی با اعضای جامعه، حس داشتن فرصت برابر با دیگر اعضای جامعه
حس اعتماد	راست‌گویی جامعه و عملی شدن وعده‌هایش
احساس شایستگی	ارزش‌گذاری مادی و معنوی جامعه برای اعضایش

مفاهیم و مقولات جدول ۲ بیانگر مفاهیم، ایده‌ها، نگرش‌ها و معانی است که مشارکت‌کنندگان در رابطه با امید اجتماعی بیان نموده‌اند.

امید به مثابه دستاوردی فردی

تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که امید اجتماعی چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی، با هفت زیر مقوله‌ی «هدف‌گذاری»، «آرزومندی»، «مسئولیت‌پذیری»، «میل به تغییر»، «میل

به پیشرفت»، «تلاشگری» و «برنامه‌ریزی» مرتبط است. به عبارت دیگر «امید» به تنهایی و فارغ از سطوح اجتماعی‌اش، زمانی معنا می‌یابد و در ذهن کنشگر شکل می‌گیرد که با مقولاتی مانند هدفمندی، آرزومندی، پذیرش مسئولیت، تمایل به تغییر و تمایل به پیشرفت، تلاشگری و برنامه‌ریزی مرتبط شود.

منتهی این هفت مقوله باید در یک طیف، بلند مدت یا کوتاه‌مدت، جامعه‌محور یا خودمحور و ایده‌آل یا واقعی مورد بحث قرارگیرد. ذهنیت کاوش شده مشارکت‌کنندگان نشان داد، هر چه مقوله‌های مذکور امید اجتماعی کوتاه مدت‌تر، خودمحورتر (معطوف به خود) و واقعی‌تر باشند، امیداجتماعی در سطح فردی باقی می‌ماند و وارد سطوح اجتماعی و آمال‌ها و آرزوها برای جامعه بزرگتر و جامعه‌ی جهانی نمی‌شود.

● هدف‌گذاری به معنای تعیین نقطه‌ای در آینده تقریباً نزدیک و تلاش برای تحقق آن است. این نقطه می‌تواند کار، تحصیل، ازدواج، خودشکوفایی فردی و هر چیز قابل حصول دیگر باشد.

زندگی به هرشکلی باشه دنبال خودسازی هستم، خودسازی مهمترین و اثربخش‌ترین چیز تو زندگیه (زن ۳۷ساله).

من اگر بخوام هدف برا خودم انتخاب کنم حتما که نه اما تو فکرم هست که ازدواج بکنم (مرد ۴۳ساله).

به مهاجرت فکر می‌کنم گاهی جدی‌تر، گاهی کم‌تر (مرد ۴۰ساله).

● آرزومندی: آرزومندی به معنای تمایل و علاقه برای رسیدن به نقطه‌ای خاص یا دستیابی به امری خاص، در هاله‌ای از ابهام و ناشناختگی است. به عبارت دیگر فرد در آرزومندی، دوست دارد به چیز خاصی برسد، ولی نمی‌داند دقیقاً چگونه از چه مسیری، یا حتی در چه زمانی فقط اشتیاق چنین چیزی وجود دارد.

دوست دارم که موسیقی خوب آموزش بدم و از کسانی که بهشون آموزش دادم تو کار خودم استفاده کنم. (مرد-۲۴ساله)

دوست دارم کارآفرین بشم حداقل اونایی که میدونم احتیاج دارن را بیارم سرکار(مرد-۴۰ساله)
آینده خیلی روشنی نمی‌بینم. من درسته که الان توی ذهنم هست واسه خودم شرکت بزنم ولی این هدف یه چیزه محوریه توی مغز من. (مرد-۴۳ساله)

- مسئولیت‌پذیری یعنی وجود حس تعهد نسبت به امری خارج از حوزه‌ی شخصی (اما نزدیک به حوزه شخصی) است که به نظر می‌رسد با کمی نگرانی نیز همراه است. زیرا فرد احساس می‌کند امر مهمی بر دوش اوست که باید به خوبی از عهده آن برآید. بر اساس طیف بلند مدت/کوتاه‌مدت، جامعه‌محور/خودمحور و ایده‌آل/واقعی؛ مسئولیت‌پذیری در مقوله «امید به مثابه دستاوردی فردی» کوتاه‌مدت یا نهایتاً میان‌مدت، معطوف به دیگران نزدیک به خود مثل خانواده و تا اندازه‌ی زیادی واقعی و قابل لمس (مثل مسئولیت رشد فرزندان و...) و بر اساس منابع در دسترس، تقریباً قابل حصول است.
با این زوری که الان دارم کاری که می‌تونم بکنم مثلاً همسایمون یه زنبیل سنگین داره براش ببرم بالا چون قدرتی ندارم. (زن -۳۶ساله)
- میل به تغییر به معنای تمایل به اصلاح و عوض کردن وضعیت موجود به سمت امری مطلوب در حوزه شخصی و دیگران نزدیک است.
من به نوبه‌ی خودم میتونم کاری راه بنده‌ام حد اقل که پنج، چهار نفره دیگه‌ام اونجا مشغول کار بشن. تا حدی میتونم شرایط را تغییر بدم (مرد-۳۷ساله).
یه زنجیره است که بتونیم به هم کمک کنیم این آگاهیا که خودمون به دست میاریم را منتشر کنیم تا بتونیم کمی عوض بشیم همین کم هم غنیمته (زن-۵۷ساله).
میتونم روحیه بقیه رو تقویت کنم با حرفام. میتونم دیدگاه خودمو به بقیه برسونم اونارم آگاه کنم و باعث عوض شدن فکر آنها بشم (مرد -۳۷ساله).
- میل به پیشرفت به معنای تمایل به بهبود و ارتقای وضعیت موجود در حوزه شخصی و دیگران نزدیک به خود است.
دوست دارم که تحصیل بکنم. به نظرم این هدف قابل دست یافتنی؛ درصدی که بخوام بگم ۶۰، ۷۰ درصد، مهمترین قضیه اینه که اون کسی که میخوام پیدا کنم بتونم باش کار کنم. (مرد-۳۷ساله)
هدفم مسیری هست که تکامل باشه، مسیری باشه که در عین شاد بودن در کنارش بتونه خدمت کردن باشه ناامیدی نباشه. (زن-۳۷ساله)
من تقریباً هر هفته خونمو در اختیار دوستانم میزارم. ما یه فیلم خوب می‌شینیم می‌بینیم، و بعد از اینکه فیلم تموم شد هرکسی تفسیر خودش رو از این فیلم میگه. توی تفسیرها خیلی تجربه دست ادم میاد. (مرد-۴۳ساله)

• برنامه‌ریزی در سطح فردی به معنای داشتن نقشه راه و برنامه مدون و مشخص برای دستیابی به اهداف در حوزه شخصی و دیگران نزدیک به فرد است. برنامه‌ریزی در این سطح کوتاه‌مدت یا نهایتاً میان‌مدت، معطوف به فرد و دیگران نزدیک و تا اندازه‌ی زیادی واقعی و قابل لمس و بر اساس منابع در دسترس، تقریباً قابل حصول است.

انسانی که نتونه برا خودش درست برنامه‌ریزی کنه نمیتونه درست زندگی کنه و باری بر روی دوش دیگران است اگه برنامه‌ریزی نداشته باشم ترجیح میدم بمیرم. (مرد-۲۶ساله)
آینده‌ای که برایش برنامه‌ریزی کرده بودیم همش پاشیده شد. (مرد-۲۶ساله)
من به هر هدفی که برا زندگی‌ام تنظیم کردم رسیدم چون برنامه داشتم. (مرد-۲۴ساله)

• تلاشگری در سطح فردی به معنای کوشش عملی برای دستیابی به اهداف است. برنامه‌ریزی در این سطح کوتاه‌مدت یا نهایتاً میان‌مدت، معطوف به فرد و دیگران نزدیک به خود و تا اندازه‌ی زیادی واقعی و قابل لمس و بر اساس منابع در دسترس، تقریباً قابل حصول است.
من تمام تلاشم را می‌کنم و امید دارم به تمام چیزهایی که می‌خوام برسم یعنی راستش مطمئنم به تمام چیزهایی که امید دارم میرسم. (مرد-۲۶ساله)

وقتی هدفی در سر داشته باشی باید برایش تلاش کنی همیشه همینطوری بشینی و خیال پردازی کنی من تا حالا بیشتر چیزهایی که می‌خواستم را به دست آوردم چون برایش زحمت کشیدم (زن-۷۰ساله).

میدونی من اگه تا اینجا رسیدم و تونستم موفق بشم همه‌اش به خاطر تلاش شبانه روزی بوده باورت همیشه اما گاهی چندین شبانه روز برای رسیدن به هدفم (دکتری ریاضی) بیدار بودم درس خوندم. (زن-۳۷ساله)

امید به مثابه دستاوردی اجتماعی

در مقوله‌ی امید به مثابه‌ی دستاوردی اجتماعی، هفت زیر مقوله‌ی «هدف‌گذاری»، «آرزومندی»، «مسئولیت‌پذیری»، «میل به تغییر» و «میل به پیشرفت»، «برنامه‌ریزی»، «تلاشگری» تکرار می‌شود. ذهنیت کاوش شده مشارکت‌کنندگان نشان داد، هر چه هفت مقوله مذکور بلند مدت‌تر، جامعه‌محورتر و ایده‌آلیستی‌تر باشد، امید بیشتر به سطح آمال و آرزوها برای جامعه بزرگتر و حتی جامعه‌ی جهانی وارد می‌شود.

- «هدف‌گذاری» به معنی تعیین نقطه‌ای در آینده تقریباً دور و با محوریت اجتماعی است. به این معنا که هدف‌گذاری هم در بازه زمانی طولانی‌تری تعیین می‌شود و هم از حوزه شخصی و خانوادگی فراتر می‌رود و دیگران دورتر و اجتماع بزرگ‌تر را در بر می‌گیرد، حتی دیگرانی که فرد هیچ شناخت مستقیمی از آنها ندارد.
دوست دارم به آکادمی ریاضی بزنم از پایه نه فقط برای دانشجو یا هر چیز دیگه‌ای حتی به نانو دوست دارم ریاضیش بهتر بشه. (زن-۳۷ساله)
دوست داشتم یک کارفرما باشم یک آدمی که در واقع کار آفرین بشم حداقل اونایی که احتیاج دارن را بیارم سر کار. (مرد-۴۰ساله)
- «آرزومندی» به معنی تمایل و علاقه برای دستیابی به امری خاص در هاله‌ای از ابهام و ناشناختگی است. این نقطه خاص و ناشناخته از حوزه فردی فراتر رفته و کل اجتماع شخص یا حتی جامعه جهانی را در بر می‌گیرد به عبارت دیگر فرد در آرزومندی، دوست دارد جامعه‌اش به دستاورد خاصی برسد، ولی نمی‌داند دقیقاً چگونه با چه مسیری، یا حتی در چه زمانی؛ فقط اشتیاق چنین چیزی در وی وجود دارد.
دوست دارم هر کسی سرش به کار خودش باشه کسی تو کار کسی دخالت نکنه و به همدیگه احترام بزارن. (زن-۳۳ساله)
دوست دارم کشورم مثل کشورهای پیشرفته دیگر راحت بتونه با کشورهای دیگه رابطه داشته باشه، رفت‌وآمد راحت‌تر باشه. (مرد-۳۱ساله)
آرزوم برا جامعه! دوست بودن، همدل بودن، حرف همو فهمیدن، حق خوری نباشه تو جامعه. (زن-۵۷ساله)
- «مسئولیت‌پذیری» به معنی وجود حس تعهد نسبت به امری خارج از حوزه شخصی است که به نظر می‌رسد با کمی نگرانی نیز همراه است. زیرا فرد احساس می‌کند امر مهمی بر دوش اوست که باید به خوبی از عهده آن برآید. بر خلاف مقوله فردی امید، در اینجا فرد این نگرانی را برای کل اجتماعش و در مواردی برای کل جامعه بشری حس کرده است و تلاش می‌کند تا اندازه‌ای که قدرت و منابع در دسترسش اجازه می‌دهد، آن مسئولیت را انجام دهد.
از روزی که من به دنیا اومدم تا روزی که قراره این دنیا را ترک کنم، باید به کاری کنم که دنیا به جای بهتری باشه برای زندگی (زن-۳۳ساله)
هر از چندگاهی میرم پرورشگاه به بچه‌ها کمک می‌کنم. اینارو که یکم آغوش و محبت می‌خواستند، فقط بغل بگیرم. (زن-۵۷ساله)
حتی کثیف نکردن فضای زندگیمون به کمک. کمک بکنیم به چیز خوب به وجود بیاد. (مرد-۳۱ساله)

وقتی داری با ماشین رانندگی میکنی آهسته بری که آب نپاشه به مردم، آهنگ ترافیک رو رعایت کنیم حق دیگران را ضایع نکنیم. (زن-۷۰ساله)

• «میل به تغییر» به معنی تمایل به اصلاح و عوض کردن وضعیت اجتماعی موجود به سمت امری مطلوب است. برخلاف مقوله فردی امید، در اینجا فرد فقط تغییرات شخصی و محسوس را مد نظر ندارد، بلکه نقطه ایده‌آلی را در نظر دارد و می‌خواهد جامعه‌اش به آن حد مطلوب برسد.

ما همیشه به تغییرات امید داشتیم. اما توی اون دوره [اشاره به دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد] دچار دلسردی شده بودیم. (زن-۳۳ساله)

من دوست دارم، اینجا عوض بشه، مردم عوض بشن، جامعه عوض بشه، من هم بتونم در کنار این جامعه زندگی کنم. (مرد-۴۳ساله)

دوست دارم جامعه پیشرفت کنه بیشتر تاهر چیز دیگه و سعی میکنم به اندازه‌ی خودم تغییر ایجاد کنم. (مرد-۳۷ساله)

• «میل به پیشرفت» به معنی تمایل به بهبود و ارتقای وضعیت موجود به سمت امری مطلوب در حوزه اجتماعی و دیگری است که اصلاً شناخت شخصی از آنها ندارد.

برنامه ای که داریم اینه که واقعاً یه گروهی تشکیل بدیم وبریم بین اقشار پایین جامعه حالا هر کدوممون یه جور ایثار و از خودگذشتگی داشته باشه. (زن-۳۳ساله)

• «برنامه‌ریزی» به معنای داشتن برنامه و نقشه راه برای دستیابی به اهداف اجتماعی تعیین شده توسط فرد است. بر خلاف مقوله فردی امید، در اینجا فرد فقط برنامه‌ریزی برای رسیدن به اهداف شخصی را مد نظر ندارد، بلکه برنامه‌ای عملی برای اهداف اجتماعی بویژه در راستای تغییر اجتماعی را پیگیری میکند.

باید به راهی که میریم معتقد باشیم و با برنامه به راهی که جلمون هست و با انرژی بریم جلو نه اینکه فقط از سر تکلیف البته این حرکت باید از طرف همه مردم باشه. (مرد-۲۶ساله)

طوری برنامه‌ریزی کردم که به یه سنی که رسیدم از ایران برم یعنی اصن تو فکر برنامه‌ای برای درست کردن این جامعه نیستم کشورمو دوست دارم ولی خب می‌دونم هیچ کاری نمیشه براش کرد من هنوز خودما نساختم بعد چه شکلی کاری برا جامعه‌ام انجام بدم و در مورد آن فکر کنم. (مرد-۲۴ساله)

من برنامه خیلی خاصی ندارم فقط اینکه یک کارگاهی تو رشته خودم بزنم و چند نفر را بیارم سر کار (مرد-۳۷ساله)

• «تلاشگری» کوشش عملی افراد برای دستیابی به اهداف اجتماعی است. بر خلاف مقوله فردی امید، در اینجا فرد فقط تلاش برای رسیدن به اهداف شخصی را مد نظر ندارد، بلکه

تلاش‌های عملی بر مبنای برنامه‌هایی که در حوزه جامعه و برای دستیابی به اهداف اجتماعی دارد را پیگیری میکنند.

ما ناچار به تلاشیم یعنی آگه به دوره‌هایی هم با افت و خیز بخوایم سپری کنیم، اما باید مجدد بلند شیم. (زن-۳۳ساله-پژوهشگر)

من هر کار کوچیکی بتونم انجام میدم. کار من مثل اینه که یه سطل ماست برداری و بخوای توی دریا دوغ درست کنی تو نگاه اول ممکنه که خنده‌دار باشه ولی تو نگاه بعد قابل تقدیره. (مرد-۳۵ساله)

بین من میتونم به دانشجویها و حتی دوستان خودم آگاهی بدم هر چند جزئی باشه اما اثر داره. به هر حال باید گام برداشت هر چند جزئی حالا اصن چه بهتر که این تلاش‌ها و کارها کوچک باشه. (زن-۳۷ساله)

بسترهای اجتماعی امیدبخش

بسترهای اجتماعی امیدبخش، با سه زیر مقوله‌ی «پیش‌بینی‌پذیری»، «ریسک‌پذیری» و «اثربخشی فعالیت‌ها» قابل تفسیر است. امید به عنوان پروژه شخصی و یا پروژه اجتماعی، زمانی امکان تحقق پیدا می‌کند که جامعه نیز بستری امیدبخش داشته باشد، یعنی زمینه «هدف‌گذاری»، «آرزومندی»، «مسئولیت‌پذیری»، «میل به تغییر»، «میل به پیشرفت»، «تلاشگری» و «برنامه‌ریزی» فراهم باشد.

بنابراین چنان که بستر اجتماعی فراهم نباشد، امید اجتماعی به عنوان یک دستاورد، معنا پیدا نمی‌کند و تلاشی هم برای رسیدن به آن صورت نمی‌گیرد. دوم: هرچه فضای اجتماعی، مهیاتر باشد احتمال تبدیل امید فردی به اجتماعی بیشتر خواهد شد.

• پیش‌بینی‌پذیری به این معناست که، افراد تا اندازه‌ای قادر باشند نتیجه اعمال و رفتارهای خود را حدس بزنند ضمناً حدس آنان تقریباً درست باشد در واقع نتیجه همان شود که فکر می‌کرده‌اند. جامعه پیش‌بینی‌پذیر جامعه‌ای است که هر عمل یا رفتار اعضایش، نتایج متناسب با خودش را دریافت می‌کند نه نتیجه‌ای غیر از آن. در این مقوله مشارکت‌کنندگان انتظار داشتند که جامعه امکان دستیابی به تصویری روشن از آینده را برای آنها فراهم کند تا بتوانند نتیجه اعمال خود را تصور کنند.

الان از نظر اقتصادی مردم ضعیف شدن یا پول دارن اما نمی‌تونن باش کاری بکنن یا پول ندارن که باش کاری بکنن. (مرد-۴۰ساله)

در مورد جامعه هم آیندش واقعاً غیر قابل پیش‌بینی هست. اینقدر تزلزل داره که من نمی‌دونم چه در آینده، حتی فردا هم نمی‌دونم چه اتفاقی قراره بیفته. بین این وضعیت درست مثل الان جامعه‌ی ما است. (زن-۳۷ساله)

• ریسک‌پذیری از نظر مشارکت‌کنندگان با در اختیار داشتن فرصت و پیامدهای حاصل از امتحان آن، تعریف می‌شود. از نظر مشارکت‌کنندگان جامعه ریسک‌پذیر جامعه‌ای است که هم فرصت‌های متنوع ریسک به اعضایش بدهد و هم در صورت شکست در آن ریسک، اعضا بتوانند از نو شروع کنند، نه اینکه به یک باره همه چیز را از دست بدهند. در جامعه‌ای که هزینه ریسک آن بالاست، افراد از ترس شکست، دست به هیچ اقدامی نمی‌زنند. شما فکر کن من در ایران به روزی از کارم خسته بشم تازه بعد سیزده سال سابقه کار در اون روز تنها راهم باغ رضوان خواهد بود هیچ راهی برام وجود نداره. ولی برادر من خارج، راحت شغلش را عوض می‌کنه چون می‌تونه ریسک کنه. (زن ۳۷ساله)

• اثربخشی فعالیت‌ها یعنی دستاورد افراد در زمینه‌های گوناگون با میزان تلاش‌شان و مدت زمانی که برای آن صرف نموده‌اند متناسب باشد. اثربخشی را با تحقق اهداف قبلی نیز می‌توان تفسیر کرد.

منم سعی می‌کنم خوش‌بین باشم حالا گاهی با توجه به فضایی که توی جامعه‌ی ما هست و تغییرات سیاسی، اجتماعی که بعداً رخ میده گاهی به سمت ناامیدی هم سوق داده شدیم. (زن ۳۳ساله)

زمانی جامعه مال من و شماست، که راحت کارمونو انجام بدیم. هر کی به میزان تحصیلاتش و به میزان درواقع توانایی‌هاش بتونه دستمزد خودشو داشته باشه. (مرد ۴۰ساله)

بین آدم این همه راه اومده تهش میبینه هیچی! خیلی زور میگه! این میشه که ادم درونگرا میشه. کلا وقتی جامعه ایده‌آله که هر کسی به حق خودش برسه. (مرد ۲۶ساله)

حس دریافتی از جامعه (پیامدهای امید اجتماعی)

حس دریافتی از جامعه، به سه مقوله «حس تعلق اجتماعی»، «حس اعتماد» و «حس قدرشناسی» قابل تقسیم است. این که جامعه چه قدر و چگونه بسترهایی نظیر «پیش‌بینی‌پذیری»، «ریسک‌پذیری» و «اثربخشی فعالیت‌ها» زمینه را برای «هدف‌گذاری»، «آرزومندی»، «مسئولیت‌پذیری»، «میل به تغییر» و «میل به پیشرفت»، «تلاشگری»، «برنامه‌ریزی» را برای اعضایش فراهم ساخته است، حس کلی مشارکت‌کنندگان به جامعه را می‌سازد.

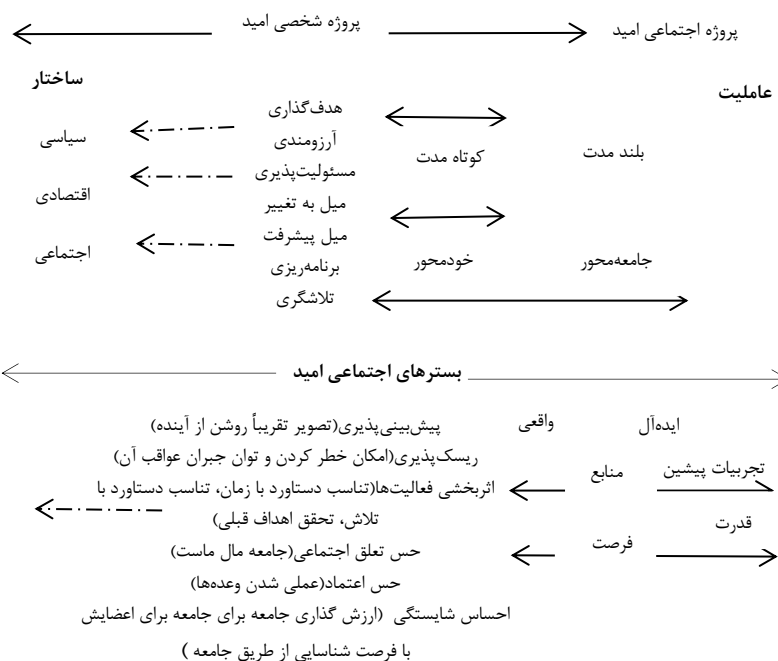
• حس تعلق اجتماعی به معنای یگانگی، محبت و دوستی با جامعه است. از دید شرکت‌کنندگان در پژوهش همان اندازه که اعضا خود را متعلق به جامعه می‌دانند، جامعه نیز باید آنها را به عنوان عضو خود بپذیرد و مهمتر از آن فرصت‌هایی برابر برای آنها فراهم کند و فرصت شناسایی به آنها عطا کند.

میگن اجتماعه، اجتماع من نیست! یعنی به کاری کردن که این طوری شده. اجتماع من نیست چون من تو اجتماع حقی ندارم، من تو اجتماع حرف نمی‌تونم. (مرد ۴۰ساله)

خب به هر حال من تو این خاک دارم زندگی میکنم اینجوریم انصاف نیست این چیزیکه از این خاک گرفتمو برم به جای دیگه خرج کنم. حداقل بمونیم اگه دستمون به یه جایی می‌رسه چیزی که جمع کردی تو این چند سال واسه خاکت بزاری. (زن ۳۳ساله)

- حس اعتماد از منظر مشارکت‌کنندگان به معنای این است که چه قدر جامعه به آنها راست می‌گوید و چه قدر به و وعده‌هایی که به اعضایش داده است عمل می‌کند. هر چه قدر که جامعه بیشتر به وعده‌های پیشین خود عمل کرده باشد، بیشتر مورد اعتماد اعضایش می‌باشد. بعد از اون دوره، نسبت به هشتاد و هشت که مردم حتی بی‌اعتماد شده بودن حالا مشارکت اجتماعی بهتره اما مردم که سالهاست بی‌اعتماد شدن، ما دچار بی‌تفاوتی شدید نسبت به هم اعتمادمون رو از دست دادیم. (زن ۳۳ساله)
- حس قدرشناسی به معنای این است که چه قدر جامعه برای تلاش‌ها و دستاوردهای اعضا ارزش قائل است و متناسب با آن تلاش‌ها از آنها قدردانی (مادی و معنوی) می‌کند. جامعه‌ای که نسبت به اعضایش و به ویژه مشکلات آنها، بی‌تفاوت است، جامعه‌ای قدرناشناس است. خوب هر چی میرفتیم جلو رسید به جایی که هر ترم دویست نفر میگرفتن مثلاً سالی پانصد نفر میگرفتن دانشگاه‌ها خوب دیگه طبیعتاً آینده‌ای که ما برنامه‌ریزی کرده بودیم همش پاشیده شد چونکه الان دیگه دست خیلی زیاده. (مرد ۲۶ساله)
- من فکر می‌کردم این جامعه می‌تونه این کاری که من کردم و جبران کنه واسم ولی خوب الان نه، همون چیزیکه قبل از درس خوندمون بود همون طوریه. (مرد ۲۶ساله)

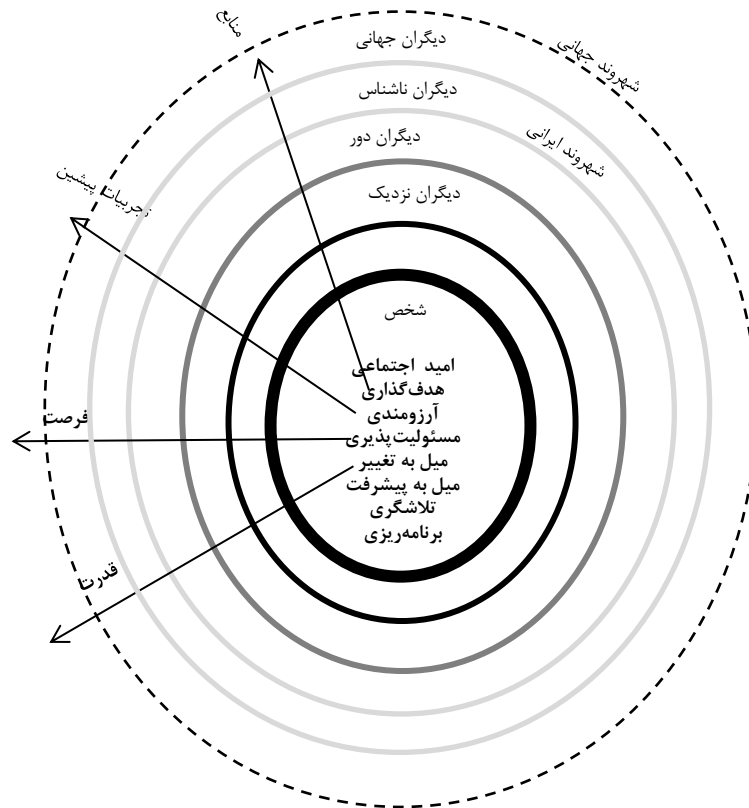
مدل‌های مستخرج از یافته‌ها



شکل ۱. مدل بسترهای اجتماعی امید

شرح مدل ۱

- اگر بپذیریم که افراد جامعه در فضایی بین ساختارگرایی و عاملیت صرف عمل می‌کنند، می‌توان برای «امید اجتماعی» پیوستاری از ساختار/عاملیت را رسم نمود.
- یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که «امید» مفهومی رو به آینده است و هر هفت مقوله مستخرج نیز، به نوعی با آینده‌نگری و آینده‌سازی و با تصویری که فرد از آینده ترسیم می‌کند، مرتبط است.
- هفت مقوله‌ی امید اجتماعی برای امید به عنوان دستاورد شخصی و امید به عنوان پروژه اجتماعی صدق می‌کند.
- اینکه امید چگونه از یک امر شخصی به امری اجتماعی تبدیل می‌شود، بستگی به «بسترهای اجتماعی امید» و جایگاه افراد در پیوستار «ساختار/عاملیت» دارد.
- «بسترهای اجتماعی امید» ویژگی‌های جامعه‌ای است که افراد در آن زندگی کرده و در آن محدوده دست به عمل می‌زنند. این بسترها را می‌توان در دو بخش بحث کرد:
- ویژگی‌های جامعه: چه قدر جامعه «پیش‌بینی‌پذیر» و «ریسک‌پذیر» است؟ و چه قدر افراد احساس می‌کنند فعالیتشان در جامعه «اثربخش» است؟
- مجموع ویژگی‌های مذکور کدامیک از احساسات تعلق اجتماعی، اعتماد، قدرشناسی را در افراد برمی‌انگیزد؟
- برای هفت مقوله‌ی امید اجتماعی می‌توان سه طیف بلند مدت/کوتاه‌مدت، جامعه‌محور/خودمحور و ایده‌آل/واقعی را در نظر گرفت.
- هر چه کانون «امید» شخصی‌تر باشد هفت مقوله مرتبط با آن نیز به پیوستار کوتاه‌مدت، خودمحور و واقعی نزدیک‌تر است.
- و هر چه کانون «امید» اجتماعی‌تر باشد هفت مقوله مرتبط با آن نیز به پیوستار بلندمدت، جامعه‌محور و ایده‌آل نزدیک‌تر است.
- اینکه افراد چگونه از طرف امید به عنوان «پروژه شخصی» به سوی امید به عنوان «پروژه اجتماعی» حرکت می‌کنند، بستگی به «بسترهای اجتماعی امید» دارد که «منابع» و «فرصت» و در نهایت «قدرت» به آنها اعطا می‌کند. در این حالت افراد در پیوستار ساختار/عاملیت در حال حرکت به سمت عاملیت هستند.
- هر چه «بسترهای اجتماعی امید» محدودتر باشد، افراد در پیوستار ساختار/عاملیت بیشتر به سمت ساختار حرکت می‌کنند. این مسیر به صورت فلش‌های نقطه‌چین و یک‌سویه در مدل ترسیم شده است.



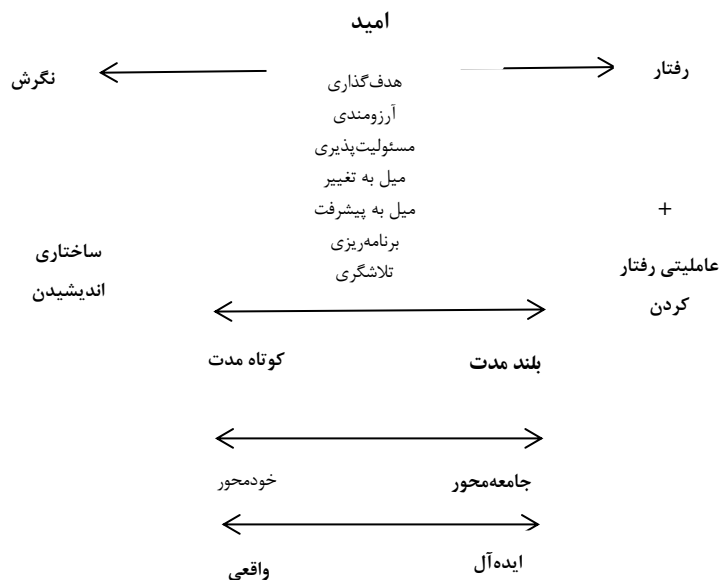
مدل زمینه ۲. بسترهای اجتماعی امید

شرح مدل ۲

- همانطور که در مدل (۱) نشان داده شد، «امید» با هفت مقوله قابل طرح است و این مقولات با «بسترهای اجتماعی امید» شامل پیش‌بینی‌پذیری، ریسک‌پذیری، اثربخشی فعالیت‌ها در ارتباط هستند.
- مدل حاضر «حیطه اثربخشی» امید را با صورت دوایر متحدالمرکز نشان می‌دهد. به بیان دیگر در این مدل بیان می‌شود که چگونه امید از پروژه کاملاً شخصی به پروژه‌ای اجتماعی تبدیل شده و این فرایند شامل چه سطوحی است.
- امید اجتماعی در دو سطح فردی و اجتماعی در دو سر یک پیوست قرار دارد که بین آنها می‌توان «دیگران نزدیک»، «دیگران دور» و «دیگران ناشناس» و «دیگران جهانی» را قرار داد.

• این که افراد چه قدر از دایره مرکزی و شخص محور خود، به سمت دوایر بعدی حرکت می کنند و این که چه قدر افراد در مقوله های مربوط به امید از خود به سمت جامعه حرکت می کنند، بستگی به چند عامل دارد:

- ۱- قدرت: جامعه کدام قدرت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را در اختیار فرد می گذارد؟
- ۲- فرصت: جامعه چه فرصت ها و مسیرهایی را در اختیار فرد می گذارد؟
- ۳- منابع: جامعه چه منابعی را برای دسترسی فرد به اهدافش واگذار می کند؟
- ۴- تجربیات پیشین: فرد در خصوص میزان اثربخشی تلاش ها و فعالیت ها و میزان رسیدن به اهدافش چگونه عمل کرده است؟

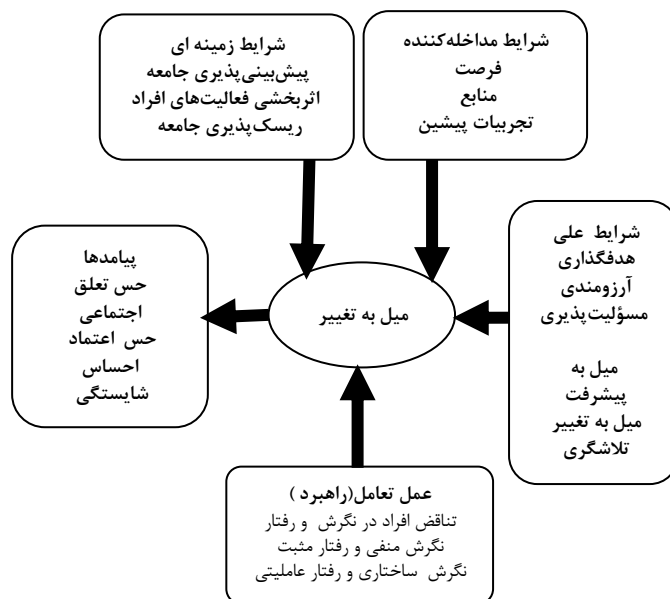


شکل ۳. مدل پیوستار رفتار/نگرش

شرح مدل ۳:

- پیوستار دیگری که می توان برای امید اجتماعی ترسیم کرد، پیوستار رفتار/نگرش است.
- هفت مقوله امید می تواند در سه طیف بلند مدت/کوتاه مدت، جامعه محور/خودمحور و ایده آل/واقعی قرار گیرد.
- یافته های تحقیق نشان داد که مشارکت کنندگان به شدت در سطح «نگرش» و «رفتار» متناقض عمل می کنند.
- در سطح «نگرش» امید چندانی ندارند، ولی رفتارهای آنها به گونه ای است، که گویا چنین امیدی دارند.

- به عبارت دیگر «نگرش» آنها به امید اجتماعی «منفی» است، در صورتی که «رفتار» آنها «مثبت» است. به بیان دیگر آنها در سطح نگرش «ساختاری» می‌اندیشند ولی «عملیتی» رفتار می‌کنند.



شکل ۴. مدل پارادایمی امید اجتماعی

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه که بین بیست نفر از شهروندان اصفهانی صورت گرفت، مقوله هسته «میل به تغییر» یعنی تمایل به اصلاح و عوض کردن وضعیت موجود به سمت وضعیت مطلوب بود. در صورتی که افراد تمایل به اصلاح و عوض کردن وضعیت موجود زندگی شخصی خود و دیگران نزدیک به خود را داشته باشند، نقطه‌ای در آینده تقریباً نزدیک را تعیین می‌کنند و برای رسیدن به آن تلاش و برنامه‌ریزی می‌کنند. در این وضعیت که بیشتر جنبه خود محورانه دارد آرزومندی آنها یعنی تمایل، علاقه و اشتیاق شان برای رسیدن به آن نقطه‌ی هدف وجود دارد هر چند این اشتیاق و تمایل در هاله‌ای از ابهام و ناشناختگی است. نسبت به هدف انتخاب شده مسئولیت‌پذیرند و به بهبود وضعیت خود و دیگران نزدیک به خود توج دارند. در این راستا هر چه فرصت، منابع و قدرت بیشتری از سوی جامعه در اختیار فرد برای طی کردن مسیر قرار گرفته باشد و تجربیات پیشین وی برای دستیابی به اهداف قبلی مثبت‌تر باشد امکان دستیابی وی به هدف بیشتر است. از سوی دیگر هر چه جامعه فرصت ریسک کردن به

فرد بدهد و درصوت عدم موفقیت، توان جبران عواقب ریسک را فراهم کند و همچنین دستاوردها متناسب با زمان شده و کوشش فرد باشد آنگاه فرد احساس تعلق اجتماعی دارد و بنابراین احساس یگانگی و محبت و دوستی با اعضای دیگر جامعه و احساس داشتن فرصت برابر با دیگران را خواهد داشت. چنین فردی چون عملی شدن وعده‌های جامعه و صداقت آن را احساس می‌کند، میزان اعتمادش به جامعه شدت پیدا می‌کند.

بنابراین می‌توان انتظار داشت که امید به مثابه دستاوردی فردی شکل بگیرد. هر چه فرد در طی کردن این مسیر موفق‌تر عمل کند و موانع را پشت سر گذارد احساس قدرت بیشتری پیدا می‌کند چرا که توانسته است موانع ساختاری سیاسی اجتماعی و فرهنگی را پشت سر گذارد و بنابراین به عاملیت خود نزدیک‌تر می‌شود و تمایل وی برای تغییر بیشتر می‌شود. دوباره هدفگذاری می‌کند اما این بار اهداف بلندمدت‌تر را انتخاب می‌کند وی نقطه‌ای در آینده تقریباً دور با محوریت اجتماعی انتخاب می‌کند و برای دستیابی به آن تلاش و برنامه‌ریزی می‌کند در این سطح تمایل، علاقه و اشتیاق وی برای رسیدن به هدف فراتر از حوزه‌ی فردی است و دیگران دور و ناشناس را در برمی‌گیرد. در این سطح فرد احساس تعهد نسبت به امری خارج از حوزه‌ی فردی‌اش دارد این هدف و آرزومندی یاد شده در فرد احساس تعهد نسبت به آن ایجاد می‌کند در واقع فرد مسؤلیت دستیابی به هدف را بر عهده می‌گیرد با این تصور که در حوزه‌ی اجتماعی و دیگران دور و ناشناس به بهبود و ارتقای وضعیت‌شان یاری برساند. یا در واقع به پیشرفت آنها کمک کند در این سطح نیز هرچه فرصت، منابع و قدرت بیشتری از سوی جامعه برای طی کردن این مسیر در اختیار فرد باشد و هر چه تجربیات پیشین وی برای دستیابی به اهداف اجتماعی قبلی مثبت‌تر باشد آرزومندی وی برای دستیابی به هدف افزون می‌گردد مسؤلیت‌پذیری‌اش بیشتر و امکان دستیابی فرد به هدف بیشتر می‌شود. از سوی دیگر هر چه جامعه برای فرد قابل پیش‌بینی‌تر باشد و امکان حدس نتیجه اعمال و رفتارهایی فرد در آینده برایش مقدور باشد به طوری که تصویری تقریباً روشن از آینده داشته باشد. و جامعه امکان ریسک بیشتری برای تحقق اهداف و افزایش آرزومندی‌اش را به وی عطا کند به عبارت دیگر جامعه فرصت متنوع ریسک کردن را به فرد بدهد و توان جبران عواقب ریسک وی در صورت شکست را فراهم کند و همچنین دستاوردهایی که او در طول فرآیند برنامه‌ریزی و تلاش برای دستیابی به هدف به دست می‌آورد با زمان صرف شده و میزان تلاش به کار گرفته شده تناسب داشته باشد یا به عبارت دیگر وقتی فعالیت‌های اجتماعی فرد به قدر کفایت برای وی اثربخشی‌شان را نشان دهند بویژه با توجه به تحقق اهداف قبلی، آنگاه احساس تعلق اجتماعی فرد افزایش می‌یابد یعنی او احساس می‌کند که با دیگر اعضای جامعه فرصت برابر برای فعالیت دارد و احساس یگانگی و محبت و دوستی با آنها خواهد داشت در این شرایط و هنگامی که فرد

احساس کند وعده‌های جامعه عملی شده است احساس اعتماد پیدا می‌کند. وی همچنین احساس می‌کند جامعه برای تلاش‌های فرد برای دستیابی به اهداف اجتماعی به اندازه کافی ارزش مادی و معنوی قائل است یا به عبارت دیگر فرد از سوی جامعه مورد شناسایی قرار گرفته است. بنابراین هر چه بیشتر از سوی ساختار به عاملیت حرکت می‌کند اهداف خود و تلاش‌اش برای دستیابی به هدف را باور می‌کند و در این سطح فرد تبدیل به شهروند می‌گردد که برای بهبود و پیشرفت جامعه‌اش و ارتقای آن به سمت وضعیت بهتر امید بیشتری پیدا می‌کند.

اگر در دو مرحله‌ی قبل فرد به اندازه کافی تجربه‌ی موفق‌ی داشته باشد، به قدرت و توان خود برای تغییر و اصلاح، باور بیشتری پیدا می‌کند. بنابراین هدف‌گذاری بلندمدت عاملیت فردی بیشتری را رقم می‌زند. تمایل به بهبود و ارتقاء وضعیت موجود جهان در او وجود دارد. در واقع او در پی آن است که تلاش‌هایش جهان را به جای بهتری برای زندگی تبدیل کند حتی اگر تغییرات بسیار اندکی در جهت بهبود وضعیت بشر ایجاد شود. در این زمینه هر چه فرصت، منابع و قدرت بیشتری در اختیار فرد باشد و تجربیات پیشین وی در چنین فعالیت‌هایی بیشتر به ثمر نشسته باشد و مثبت‌تر باشد؛ امکان تلاش و دستیابی وی به هدف بیشتر است. هر چند که او آگاهی دارد که ممکن است به هدفش نرسد یا موفقیت اندکی کسب کند. از سوی دیگر هر چه فرد جامعه بیشتر فرصت ریسک کردن به فرد بدهد و امکان جبران عواقب ریسک را برای او فراهم سازد و هر چه دستاوردی که کسب می‌کند برایش رضایت بخش‌تر باشد، آنگاه فرد بیشتر احساس یگانگی، محبت و دوستی با دیگر اعضای جامعه‌ی جهانی خواهد داشت. بنابراین می‌توان انتظار داشت که امیدوار بودن در سطح جهانی نیز دارای دلالت‌هایی است. در واقع فرد به شهروندی جهانی تبدیل می‌گردد که جهان را مکان امنی برای فعالیت‌های خود می‌داند و احساس هم‌خانواده بودن با افراد بشری فارغ از نوع نژاد، قوم، ملیت، زبان، دین، مذهب خواهد داشت.

وضعیت امید اجتماعی نشان داد هر چه افراد در زندگی شخصی و خصوصی خود موفقیت بیشتری کسب کرده بودند و از منابع و فرصت و قدرت کافی برخوردار بودند؛ و تجربیات قبلی موفقیت‌آمیزتری داشتند؛ احتمال بیشتری داشت که در مرحله بعد برای ایجاد تغییر و تحول اجتماعی بویژه با استفاده از امکانات و تجربیات شخصی خود اقدام کنند. البته در این مسیر ساختارهای موجود بویژه ساختارهای اقتصادی مانعی اساسی برای تبدیل امید از مرحله فردی به مرحله اجتماعی است.

به عبارت دیگر افرادی که امید را به لحاظ فردی تجربه کرده بودند اما به لحاظ امکانات اقتصادی در سطح متوسطی بودند فرصت تبدیل امید فردی به اجتماعی را نمی‌یافتند. در حقیقت از نظر آنان ساختارهای موجود مانعی اساسی در این راه بود. دیگر آنکه افرادی با

تحصیلات بالاتر که از فرصت‌های اقتصادی مناسبی تری بهره مند بودند و امکان تغییر و تحول اجتماعی برای شان فراهم بود؛ بیشتر ساختار سیاسی را مانع تحقق جامعه مطلوب می‌دیدند. یأس و ناامیدی حاکم بر این افراد در حدی بود که اکثر آنها قصد جلای وطن داشتند. زیرا معتقد بودند با وجود چنین موانعی امکان ایجاد کوچکترین تغییر آرام و مصلحانه ای وجود ندارد و تنها راهکار در دنبال کردن اهداف‌شان را در خروج از کشور می‌دیدند.

از دیگر نتایج این مطالعه این است که افراد در سنین بالاتر و با تحصیلات پایین‌تر نسبت به جوانان و تحصیلکرده‌ها از امید بیشتری برخوردار بودند. گروه اول در اندیشه پیشرفت از طریق تغییر به میزان اندک بودند و برخی از افراد این گروه معتقد بودند اگر نتوانند هیچ تغییری در جامعه ایجاد کنند حداکثر برای رشد فردی خود تلاش خواهند کرد. جوانان به نسبت میانسالان صبوری کم تری در دستیابی به اهداف تعیین شده شان داشتند و برنامه‌ریزی اکثر آنها طوری بود که در صورتی که در طول زمان دو یا سه ساله به اهداف اجتماعی شان دست نیابند آنگاه یا برای همیشه فقط به دنبال اهداف فردی‌شان خواهند بود یا بعد از گذشت این مدت از ایران مهاجرت خواهند کرد. نکته قابل توجه در یافته‌های تحقیق این بود که مشارکت‌کنندگانی که امید بسیار اندکی برای پیشرفت و تحول در جامعه داشتند و با وجود موانع ساختاری متعدد هر تحولی را امکان‌ناپذیر می‌دانستند اما در عمل اقدامات و برنامه‌هایی را دنبال می‌کردند که حاکی از وجود امید اجتماعی در آنان بود. این افراد هر چند به لحاظ ذهنی به عملکرد ساختارها توجه داشتند، اما به لحاظ عینی به عاملیت خود باور داشتند و برای آینده بهتر تلاش می‌کردند. افراد بهره‌مند از امید اجتماعی بالا هر چند تعدادشان اندک بود اما به دلیل حس اعتماد و تعلق اجتماعی بالایی که به جامعه داشتند تمایل زیادی برای پیشرفت از طریق تغییر خود و همفکران شان داشتند. در بین مشارکت‌کنندگان این تحقیق میزان امید اجتماعی براساس تجربه‌های مثبت، بهره‌مندی از فرصت‌ها و امکانات، توفیق در دستیابی به اهداف و چگونگی مواجهه با موانع ساختاری و تصور از پیش‌بینی‌پذیری و ریسک‌پذیری امور از خیلی کم تا خیلی زیاد متغیر بود.

منابع

- استروس، انسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۰) *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمينه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی.
- برمن، مارشال (۱۳۹۲) *تجربه مدرنیته*، ترجمه مراد فرهادپور. تهران: طرح نو.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰) *موانع توسعه در ایران*، تهران: گام نو.
- جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی ایران*، تهران: علم.
- جلایی‌پور، حمید رضا (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی*، تهران: طرح نو.

- رورتی، ریچارد (۱۳۸۴) *فلسفه و امید اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ و نگار نادر. تهران: نی. سن، آمارتیا (۱۳۹۴) *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه وحید محمودی. تهران: دانشگاه تهران.
- طباطبایی، سید جواد (۱۳۷۲) *زوال اندیشه سیاسی در ایران*، تهران: کویر.
- قربانی، مهسا، احمد علی‌پور و مهناز علی اکبری دهکردی (۱۳۹۶) «اثر بخشی مداخلات رویکرد مثبت گرا بر افسردگی، عزت نفس، امید به زندگی و تصویر بدنی زنان ماستکتومی شده»، *فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی سلامت، دوره ششم، شماره سوم (پیاپی ۲۳): ۱۵۱-۱۶۷*.
- کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۹۲) *ایران، جامعه کوتاه مدت و ۳ مقاله دیگر*، ترجمه عبدالله کوثری. تهران: نی.
- محمد پور، احمد و محمد تقی ایمان (۱۳۸۷) «بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامان تخت کردستان ایران: ارائه یک نظریه زمینه‌ای»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال هفتم. شماره ۲۸: ۱۹۱-۲۱۳.
- میر سیاسی، علی (۱۳۸۸) *اخلاق در حوزه عمومی*، تهران: ثالث.
- هزارجریبی، جعفر و پروانه آستین‌افشان (۱۳۸۸) «بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی»، *مجله علمی پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم. شماره ۱ (پیاپی ۲۳): ۱۱۹-۱۴۶.
- Browne, C. (2003) On Social Hope: Reconciling Normative Principles and Temporal Practices. TASA 2003 Conference, University of New England, 4-6 December 2003.
- Cook, E. F. (2004) Rorty on Conversation as an Achievement of Hope. *Contemporary Pragmatism*. Vol.1, pp- 83-102.
- Guba, E.G. and Y.S. Lincoln (2005) "Paradigmatic Controversies, Contradiction, and Emerging Confluences", in N.K. Denzin & Y.S.
- Nicholas h. Smith. (2005) Rorty on Religion and Hope, *Inquiry*. 48:1,76-98.
- Nunn k.p. (1996) Personal Hopefulness: A Conceptual Review of the Relevance of the Perceived Future to Psychiatry. *British Journal of Medical Psychology*.69(3).
- Prichett, L. Woolcock, M. (2004) Solutions when the Solution is the Problem: Arraying the Disarray. In *Development*. World Development. Vol, 32. No, 2. Pp, 191-212.
- Rorty, R. (2002) Hope and the Future, *Peace Review*. 14(2).
- Rorty, R. (2007) *Philosophy as Cultural Politics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Schneiderhan, E. (2013) Rorty, Addams, and Social Hope. *Humanities*. Pp 421-438.
- Snyder CR. *The Psychology of Hope: You Can Get there from Here*. 1st ed. New York: Free; 1994: 102-45
- Snyder, C.R. et al. (1997) Hope: An Individual Motive for Social Commerce. *Group Dynamics: Theory, Research and Practice*. Vol 1. No.2. PP:107-118
- Stotland.E (1969) *The Psychology of Hope*. USA: Jossey-Bass press.